

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و هفتم 96/12/07

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (33) - مبانی فکری وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

در رابطه با مبانی فکری وهابیت که برگرفته از مبانی فکری احمد ابن حنبل بود مطالبی را عرض کردیم و دو شاخصه دیگر یکی تکفیر مسلمانها و دیگری تحقیر و اهانت به اهل بیت علیهم السلام مطرح شد.

نکته دیگری که در این جا وجود دارد و من احساس می کنم لازم است مقداری به آن اشاره ای بشود عداوتی است که ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب با شیعه دارد.

در این جا سخن زیاد است من به چند نمونه اشاره می کنم ابن تیمیه در مجموع فتاوا در رابطه با شیعه ها و رافضه می گوید اینها مذهب شان را کتمان می کنند و با تقیه زندگی می کنند تا آن جایی که می گوید:

«وقد لا يكون من الرافضة من له نسب صحيح»

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج 35، ص 141، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیه الحرائی أبو العباس الوفاة: 728 ، دار النشر : مكتبة ابن تیمیه ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد

بن قاسم العاصمي النجدي

چه بسا رافضه، اصلاً نسب صحیحی ندارند. من نمی‌دانم ابن تیمیه این حرف را از کجا و به چه دلیلی می‌گوید؟! اگر یک فردی نسبت ناروایی بدهد چهار تا شاهد باید بیاورد اگر سه شاهد بیاید و یک شاهد تأخیر کند خود آن فرد را می‌خوابانند و حد قذف به او می‌زنند و ایشان به صراحت می‌گویند:

«وقد لا یكون من الرافضة من له نسب صحیح»

پرسش:

منظور از عدم نسب صحیح چیست؟

پاسخ:

یعنی این‌ها زنا زاده هستند. محمد ابن عبدالوهاب خیلی صریح حرف می‌زند ایشان در کتاب رسالۀ فی الرد علی الرافضه می‌گویند:

«فهلأء الإمامیة خارجون عن السنة»

این‌ها اصلاً از سنت خارج هستند

رساله فی الرد علی الرافضة، ج 1، ص 42، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب الوفاة: 1206 هـ، دار النشر:

مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى، تحقیق: تحقیق الدكتور / ناصر بن سعد الرشید

«بل عن الملة»

از ملت خارج هستند

«واقعون فی الزنا»

اکثراً این‌ها، اهل زنا هستند

« وما أكثر ما فتحوها على أنفسهم أبواب الزنا »

چه زیاد این‌ها درهای زنا را بر روی خودشان باز می‌کنند

« في القبل والدبر »

بعد می‌گوید:

« فما أحقهم بأن يكونوا أولاد الزنا »

این‌ها شایستگی این را دارند که همه‌شان اولاد زنا هستند.

اگر این حرف را یک آدم بی‌دین و مشرک و کافر و آتئیست بزند آدم گلایه نمی‌کند چون آن‌ها پایبند به چیزی نیستند ولی کسی که مدعی علم، فقاقت، رهبری و مدعی اسلام است چنین می‌گوید که تنها مسلمان روی زمین ما هستیم و چنین تعبیری را به کار می‌برد، جاب تعجب است.

در کنار بیت الله الحرام با چند نفر از این وهابی‌ها بحث می‌کردیم این‌ها همین قضیه وطی در دُبر را مطرح کردند گفتند امام خمینی در تحریر الوسيله دارد بر این‌که:

« ويجوز اللواط في دبر النساء »

گفتم اولاً شما عرب هستید ادبیات عرب را بهتر می‌دانید لواط، عمل الرجل بالرجل را لواط می‌گویند عمل الرجل مع امرئة را وطی می‌گویند وطی در قُبُل یا وطی در دُبر.

گفتم اولاً امام خمینی آن‌جا دارد اگر زن، راضی نباشد حرام است راضی هم باشد کراهت شدید دارد ما روایت از امام صادق سلام الله علیه داریم می‌فرماید اگر کسی این کار را با همسرش بکند بوی بهشت که از هزار

سال مسیر به مشام می‌رسد را استشمام نمی‌کند. به اضافه اگر بزرگان ما فتوا دادند، بزرگان شما اهل عمل هستند! گفت چطور؟ گفتم شما ببینید آقای سیوطی در کتاب درّ المنثور ذیل آیه شریفه:

(نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ)

سوره بقره (2): آیه 223

می‌گوید: از امام مالک سوال کردند:

«ما هو حکم الوطی فی ادبار النساء»؟

الدر المنثور، ج 2، ص 254

تازه از حمام آمده بود موهایش خیس بود دست به سرش زد گفت:

«الان غسلت من هذا الامر!»

گفتم اگر امام خمینی فتوا می‌دهد، امام مالک شما می‌گوید من تازه از این کار فارغ شدم!

همچنین از ابن ابی ملیکه ، مفتی و قاض القضاة مکه در زمان عبدالله زبیر - که برایش احترام قائلند-

سوال کردند حکم کسی که چنین کاری با همسرش بکند چیست؟ گفت:

«طلبت هذا الامر البارحة من بعض الجواری»

شب گذشته از یکی از خانم‌هایم این را تقاضا کردم

«فاعتاصت علی»

و حاضر نشد گفت که اذیت می‌شوم .

بعد می‌گوید:

«فاستعنت بدهن أو بشحم» !

روغن مالی کردم که خیلی زیاد درد نکشد!

گفتم اگر بزرگان ما فتوا می‌دهند بزرگان شما حتی به همه یاد می‌دهند که چطوری باید از این قضیه استفاده

کرد!

محمد ابن عبدالوهاب می‌گوید:

« فتحوا على أنفسهم أبواب الزنا في القبل والدبر »

رسالة في الرد على الرافضة، ج 1، ص 42، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب الوفاة: 1206 هـ ، دار النشر :

مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : تحقيق الدكتور / ناصر بن سعد الرشيد

آینه را جلویش گذاشته و قیافه‌اش را دیده و شیطان برایش تصور کرده که این قیافه، قیافه شیعه است و

چنین حرفی را نسبت به شیعه می‌زند!

این دو نکته را آقایان با جلد و صفحه‌اش داشته باشید کتاب مجموع فتاوی، ج 35، ص 87؛ رسالة فی الرد

على الرافضة، صفحه 42.

باز ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه می‌گوید:

«و الخوارج اصدق من الرافضة و ادين و اورع»!

خوارج از شیعه‌ها هم صادق‌تر، هم با دیانت‌تر و هم با ورع‌تر هستند !

منهاج السنة النبوية، ج7، ص36، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:

728 ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

«بل الخوارج لا نعرف عنهم أنهم يتعمدون الكذب»

من سراغ ندارم که خوارج دروغ بگویند.

یکی از ویژگی‌های خوارج دروغ گفتن است خودشان هم می‌گویند ما برای هر موضوعی که به ذهن مان

می‌آمد یک روایتی از قول پیغمبر برای تثبیت عقیده خودمان جعل می‌کردیم.

«بل هم من اصدق الناس»

خوارج از راستگوترین انسان‌ها هستند!

خیلی عالی است! بله اگر منظور از «ناس» ابن تیمیه و اتباع ابن تیمیه باشد قطعاً خوارج از این‌ها راستگوتر

هستند، هیچ شکی در آن نیست ولی اگر نه، مراد از ناس توده مردم باشد خیر.

باز ابن تیمیه در کتاب مجموع فتاوی خودش ابتدا می‌گوید:

«على أن كل طائفة ممتنعة عن شريعة من شرائع الإسلام الظاهرة المتواترة فإنه يجب قتالها حتى يكون

الدين كله لله»

کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج 28، ص 468، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية

الحراني أبو العباس الوفاة: 728 ، دار النشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد

بن قاسم العاصمي النجدي

هر طایفه‌ای شیعه باشد سنی باشد مسیحی باشد یهودی باشد اگر از شریعت اسلام، سرپیچی کرد قتل آن‌ها واجب است، من معتقد هستم این فتوا در فضای مجازی، به زبان‌های مختلف باید نشر پیدا کند. در کشورهای اروپایی، آمریکایی و غیره که اصلاً وهابیت برای احدی غیر از خودشان حق حیات قائل نیستند. الان اگر داعش و غیر داعش در کشورهای اروپایی، انتحار و انفجاری انجام می‌دهند و برای آینده تهدید هم می‌کنند همه این‌ها مبتنی بر فتاوی این‌ها است این خیلی خطرناک است.

می‌گویند هر طایفه‌ای در هر کجای دنیا از قبول شریعت اسلام سرپیچی کند قتلش واجب است.

تا آن جایی که می‌گویند:

«وما علیه جماعة المسلمين فإنه يجب جهاد هذه الطوائف جميعها كما جاهد المسلمون مانعي الزكاة وجاهدوا الخوارج وأصنافهم وجاهدوا الخرمية والقرامطة والباطنية وغيرهم»

و دلیل مان چه است؟

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)

سوره انفال (8): آیه 39

تا آن جایی که به شیعه‌ها می‌رسد و می‌گویند:

«وليس هذا مختصا بغالية الرافضة بل من غلا في أحد من المشايخ»

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج 28، ص 475، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة

الحرانی أبو العباس الوفاة: 728 ، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد

بن قاسم العاصمي النجدي

حتی صوفی‌ها، تمام این‌ها را ایشان مستحق قتل می‌داند.

«و کلّ هؤلاء کفار يجب قتالهم بإجماع المسلمين وقتل الواحد المقدور علیه منهم»

می‌گوید اگر همه این‌ها را کسی نمی‌تواند بکشد اگر کسی یک جا شیعه، صوفی، مسیحی و یهودی گیر انداخت اگر دید می‌تواند بکشد باید بکشد.

ببینید یعنی در حقیقت امنیت کل جامعه بشری را این‌ها با این فتوا به خطر می‌اندازند.

«وأما الواحد المقدور علیه من الخوارج والرافضة»

کسی اگر یک شیعه را گیر بیاورد

« فقد روی عنهما اعنی عمر وعلی قتلهما ... »

تا آن جا که می‌گوید:

«وهؤلاء الرافضة ان لم یكونوا شرا من الخوارج المنصوصین فلیسوا دونهم»

شیعه‌ها اگر از خوارج بدتر نباشند کمتر از آن‌ها نیستند

«فان اولئك انما كفروا عثمان وعلیا واتباع عثمان وعلی فقط»

خوارج گفتند عثمان و علی و اتباع عثمان و علی کافر هستند.

آن جا می‌گفت:

«خوارج من اصدق الناس أدين اورع من الرافضة»

این جا می‌گوید خوارج، علی و عثمان را کافر می‌دانستند اتباع عثمان و علی را هم کافر می‌دانستند. حالا اتباع علی جدا، ولی کل اهل سنت اتباع عثمان هستند؛ پس همه را کافر می‌دانستند پس طبق قول ابن تیمیه خوارج که عثمان و اتباع عثمان را کافر می‌دانند «من اصدق الناس» هستند!

«والرافضة كفرت أبا بكر وعمر وعثمان وعامة المهاجرين والأنصار»

عامة المهاجرين والانصار را ما نمی‌دانیم آیا خود حضرت امیر سلام الله علیه، صدیقه طاهره سلام الله علیها، سلمان، ابذر تعداد زیادی که از مهاجرین بودند و فدائی امیر المؤمنین بودند واقعاً شیعه این‌ها را تکفیر می‌کند؟!

دروغ را ببینید! انصاری که در خدمت اهل بیت علیهم السلام بودند در خدمت پیغمبر صلی الله علیه وآله بودند آن‌هایی که در رکاب پیغمبر به شهادت رسیدند و شیعه به این‌ها افتخار می‌کند؛ آیا شیعه این‌ها را تکفیر می‌کند؟!

می‌گوید:

«كفرت أبا بكر وعمر وعثمان وعامة المهاجرين والأنصار»

حالا ابابکر و عمر و عثمان را فرض بگیریم و چند روایت هم وجود داشته باشد البته کفر هم در آن جا به معنای کفر از اسلام نیست کفر از ایمان است کفر از ولایت است.

«وكفروا جماهير امة محمد من المتقدمين والمتأخرين»

شیعه عموم امت پیغمبر از متقدمین و متأخرین را تکفیر می‌کند.

آیا شیعه خودش را جزو امت محمد صلی الله علیه وآله می‌داند یا نمی‌داند؟ خودش را هم تکفیر می‌کند؟

«فیکفرون کل من اعتقد فی ابی بکر وعمر والمهاجرین والأنصار العدالة أو ترضی عنهم»

هر کسی که به ابوبکر و عمر معتقد باشد و به عدالت مهاجرین و انصار معتقد باشد همه این‌ها را شیعه تکفیر می‌کند.

شما یک روایت ضعیف از شیعه و یک چوپانی که اصلاً درسی از شیعه نخوانده است به ما نشان بدهید بگوید اگر کسی قائل به عدالت مهاجرین و انصار باشد ما او را کافر می‌دانیم.

قلم، در ظاهر به دست ابن تیمیه است ولی در حقیقت قلم در دست شیطان است فکر، به ظاهر فکر ابن تیمیه است و در حقیقت فکر شیطانی است و از خدا که انسان نترسد هر آن‌چه که بیاید مطرح می‌کند چه کار باید کرد؟!

«ولهذا یکفرون اعلام الملة مثل سعید بن المسیب وابی مسلم الخولانی وأویس القرنی»

ما از سعید ابن مسیب این همه روایت در فضیلت امیر المؤمنین و غیره داریم شیعه به وجود اویس قرنی افتخار می‌کند.

« وعطاء بن ابی رباح وابراهیم النخعی ومثل مالک والأوزاعی وابی حنیفة وحماد بن زید وحماد بن سلمة والثوری والشافعی واحمد بن حنبل وفضیل بن عیاض وأبی سلیمان الدارانی ومعروف الکرخی والجنید بن محمد و...»

تمام این‌ها را شیعه‌ها تکفیر می‌کنند.

ما فقط همین را تحدی می‌کنیم و می‌گوییم این مواردی که این شیخ الإسلام شما یا شیخ الشیطان شما

مطرح کرده شواهدش را در کتب شیعه به ما نشان بدهید!

جالب این است

« وهم مع هذا يعطلون المساجد التي أمر الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه »

شیعه‌ها مساجد را تعطیل می‌کنند اصلاً کاری به مساجد ندارند و در مساجد را می‌بندند.

« فلا یقیمون فیها جمعة ولا جماعة »

در مساجد نه نماز جمعه و نه نماز جماعت می‌خوانند.

« وینون علی القبور المکذوبة و غیر المکذوبة مساجد یتخذونها مشاهد »

بر روی قبور مکذوبه یا غیر مکذوبه مساجد بنا می‌کنند حتماً در مدینه در کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه وآله

شیعه‌ها مسجد النبی را درست کردند!

« وقد لعن رسول الله من اتخذ المساجد علی القبور »

حالا اگر شیعه‌ها مسجد النبی را درست کردند! پس چرا شما در آنجا نماز می‌خوانید؟!

تا آنجایی که می‌گوید:

« فبهذا یتبین أنهم شر من عامة أهل الأهواء وأحق بالقتال من الخوارج »

این‌ها برای کشته شدن از خوارج شایسته‌تر هستند

یعنی اگر کسی درباره خوارج شکی داشته باشد کشتن‌شان جایز است یا نه نسبت به شیعه نباید شکی

داشته باشد.

« وهذا هو السبب فيما شاع فی العرف العام أن أهل البدع هم الرافضة »

اصلاً بدعتگزار یعنی رافضه!

« فالعامة شاع عندها أن ضد السنن هو الرافضى فقط »

در میان عوام هم مشهور است که رافضی ضد سنی است

« لأنهم أظهر معاندة لسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم وشرائع دينه من سائر أهل الأهواء »

پرسش:

قبل از ابن تیمیه هم کسی به این صورت این نسبت‌ها را به شیعه داده یا ایشان از خودشان می‌گویند؟

پاسخ:

من ندیدم کسی قبل از ابن تیمیه چنین تعبیری کرده باشد. بله! معاویه بخشنامه صادر کرد کسانی که علی را دوست دارند خانه‌های این‌ها باید ویران بشود و کشته بشوند اسامی‌شان از دیوان اداری و مالی باید حذف بشود یارانه‌های‌شان باید قطع بشود تمام این‌ها را بخشنامه کرد ولی با روش و تعبیر ابن تیمیه نه!

بعد می‌گویند:

« فالخوارج لم يكن منهم زنديق ولا غال »

اصلاً در خوارج زنديق و غلو کننده نیست!

« وهؤلاء فيهم من الزنادقة والغالية من لا يحصية إلا الله »

پرسش:

استاد بخشید! منظورش از شیعه فقط امامیه است یا شاخه‌های زیدیه و غیره هم هست؟

پاسخ:

نه شامل آنها نمی شود کاری با آنها ندارند، عمدتاً امامیه است.

«وقد ذكر اهل العلم أن مبدأ الرفض إنما كان من الزنديق عبد الله بن سبأ فإنه أظهر الإسلام وأبطن اليهودية

وطلب أن يفسد الإسلام كما فعل بولص النصراني الذي كان يهوديا في إفساد دين النصارى»

بعد می گوید:

«فغالب أئمتهم زنادقة»

غالب امامان اینها، زنديق هستند.

«إنما يظهر الرفض لأنه طريق إلى هدم الإسلام كما فعلته أئمة الملاحدة الذين خرجوا بأرض أذربيجان في

زمن المعتصم مع بابك الخرمي»

بحث بابک خرمی و غیره را هم آورده است، عبدالله ابن سبأ کم بود اینها را هم به شیعیان پیوند زده است.

این نمونه‌ای از حرف‌های ابن تیمیه است که هفت - هشت صفحه است.

این بحثها را دارد:

«فالخوارج من اصدق الناس؛ و اوفاهم بالعدل وهؤلاء من اكذب الناس»

و همچنین دارد:

«لأنهم أشد الناس تعظيما للمقابر التي اتخذت أوثانا من دون الله... ومعلوم قطعا ان ايمان الخوارج بما جاء به

محمد صلى الله عليه وسلم أعظم من ايمانهم»

یعنی ایشان دیگر همه چیز را به باد داده است.

«ومن إعتقد من المنتسبين إلى العلم أو غيره أن قتال هؤلاء بمنزلة قتال البغاة الخارجين على الإمام بتأويل سائغ كقتال أمير المؤمنين على بن أبي طالب لأهل الجمل وصفين فهو غلط جاهل بحقيقة شريعة الإسلام وتخصيصه هؤلاء الخارجين عنها»

و هر کس که منتسب به علم است اگر معتقد باشد قتال شیعه به منزله قتال بغات است یعنی همان طوری که امیر المؤمنین علیه السلام با جملی‌ها و صفینی‌ها جنگید ما هم باید با شیعه‌ها بجنگیم - اگر چنین تصویری داشته باشد - تصور غلط است.

چرا؟ برای این که در جنگ جمل، جنگ مسلمانان با مسلمان بود ولی جنگ با شیعه، جنگ مسلمانان با کفار است.

«وإنما هم خارجون عن نفس شريعة رسول الله وسنته شرا من خروج الخوارج الحرورية»

بله:

لهم تأويل من جنس تأويل مانعى الزكاة»

همان طوری که ابوبکر، با مانع زکات جنگید می‌شود با آن‌ها مقایسه کرد نه این که با جملی‌ها و صفینی‌ها مقایسه کرد.

بله پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم با یهود و نصارا چطوری جنگید عیناً جنگ با شیعه عین جنگ با یهود و نصارا است! این مطالب در مجموع فتاوی با تحقیق عامر جزار، جلد 28، صفحه 257 است و در چاپ عربستان سعودی جلد 28، صفحه 499 است صفحات این‌ها با همدیگر فرق می‌کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته